

عوامل مؤثر بر تحقق هم‌گرایی اجتماعی از منظر قرآن کریم

علی ذوالفقاری^۱ - محمد میرزائی^۲

چکیده

هم‌گرایی اجتماعی به معنای هم‌افزایی، همکاری و هم‌زیستی میان افراد جامعه و گروه‌های مختلف است؛ به گونه‌ای که حس مشترکی میان اعضا در راستای پیشرفت جامعه و افراد ایجاد شود. آیات الهی در پی آن‌اند که در تمام شئون زندگی جمعی، پیوندهای اجتماعی و حس مشترک را بر محوریت اندیشه و فطرت انسانی سامان دهند. این رویکرد تفاوت‌های جوامع را محترم شمرده و استعدادهایشان را شکوفا می‌سازد. پژوهش پیش رو به شیوه توصیفی-تحلیلی سامان یافته و با استناد به منابع کتابخانه‌ای در پی این است که با مراجعه به قرآن کریم و با استفاده از روش تحلیل محتوا، راهکارهای تحقق هم‌گرایی اجتماعی را تبیین کند. توجه به فطرت، عقاید، فضایل اخلاقی و عدالت‌ورزی از راهکارهای هم‌گرایی اجتماعی است که سعادت فرد و جامعه را تضمین می‌کند؛ حال آنکه هم‌گرایی اجتماعی در نظام‌هایی مانند دموکراسی، در مقایسه با دیدگاه قرآنی، به علت نبود شناخت واقعی از انسان، بسیار آسیب‌پذیر است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، جامعه، هم‌گرایی، راهکار، اجتماعی.

gharibe.del@gmail.com

mirzaee@razavi.ac.ir

۱. دانش‌آموخته سطح سه حوزه علمی خراسان (نویسنده مسئول).

۲. استاد دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

دریافت: ۱۴۰۴/۵/۱۳ - پذیرش: ۱۴۰۴/۶/۳۰

مقدمه

انسان‌ها همواره در طول تاریخ برای برآوردن نیازهای خود و شکوفایی استعداد هایشان، روابط اجتماعی را سامان داده‌اند؛ زیرا به صورت ملموس دریافته‌اند که رشد فردی در گرو روابط اجتماعی است و هر چقدر که این روابط در جامعه‌ای مستحکم‌تر و پویاتر باشد، ضمانت بیشتری برای سعادت انسانی فراهم خواهد بود. با این همه، درک اهمیت هم‌زیستی، همکاری و هم‌افزایی نتوانسته است جوامع مختلف را از خطرات ناشی از گسست اجتماعی محفوظ نگه دارد. در واقع عواملی چون تعصب، ستمگری، فردگرایی، ناامیدی و ... به عنوان دشمنان هم‌گرایی و انسجام اجتماعی شناخته شده‌اند؛ چنان‌که حوادث اجتماعی اخیر در جامعه اسلامی- ایرانی که براساس یک برنامه ترکیبی از سوی دشمنان دنبال می‌شود، خسارت‌های فراوان حاصل از گسست اجتماعی را به روشنی نشان می‌دهد. بنابراین اندیشمندان در طول تاریخ به انسجام اجتماعی توجه کرده و کوشیده‌اند عوامل هم‌گرایی اجتماعی را شناسایی و بر اهمیت تحقق آن‌ها تأکید کنند.

در مطالعات موجود، برخی در پی بررسی عوامل وحدت در جهان اسلام بوده‌اند و برخی دیگر، ضمن توجه به عوامل افزایش اختلاف مانند نژاد، سرزمین و ...، عوامل هم‌بستگی اجتماعی را از دیدگاه آیات و روایات مورد مطالعه قرار داده‌اند. با این همه در این مطالعات، کمتر براساس قرآن کریم به اختلافات در جوامع بشری پرداخته شده است. افزون بر این به اجزای هم‌گرایی اجتماعی نیز به گونه‌ای که تمام مراتب جامعه انسانی را در بر بگیرد، به طور کامل از دیدگاه آیات الهی توجه نشده؛ حال آنکه از دیدگاه قرآن، بسیاری از موارد و محل‌های اختلاف در جامعه، نقطه آغازی برای انسجام و تعامل بیشتر بشریت به شمار می‌آیند.

توجه به اجزای هم‌گرایی اجتماعی از دیدگاه قرآن، از آنجا اهمیت می‌یابد که تمامی تعاریف موجود از هم‌گرایی اجتماعی در عصر حاضر را که به مکاتب و تفکرات گوناگون و متعارض متعلق‌اند، شامل می‌شود. از آنجا که غفلت از این حقیقت موجب ابهام جدی

در فهم واقعیت‌ها شده، توجه به وحی الهی در راستای فهم عوامل هم‌گرایی اجتماعی و آثار آن بسیار ضروری است.

۱. هم‌گرایی اجتماعی

هم‌گرایی اجتماعی در لغت معادل ترکیب «Social Cohesion» و به معنای تقارب و نزدیک شدن اجزای یک کل به یکدیگر است. این مفهوم همچنین به معنای پیوستگی و نزدیکی اعضا یا اجزای یک مجموعه به کار می‌رود (انوری، ۸/ ذیل «هم‌گرایی»). بنابراین معنای هم‌گرایی اجتماعی به واژه وحدت نزدیک است و از آن به یگانه شدن افراد تعبیر می‌شود (طریحی، ۱۳۷۵: ۳/ ۱۵۸). در کتاب‌های لغت، هم‌گرایی به معنای تقارب و هم‌گرا به معنای پیونددهنده یا کسی که با دیگری دارای یک گرایش، هدف و میل مشترک است، به کار می‌رود (دهخدا، ۱۴/ ذیل «هم‌گر»؛ عمید، ۲/ ذیل «هم‌گر»).

این اصطلاح نشان‌دهنده فرایندی است که در آن گروهی از مردم در قلمرو جغرافیایی مشخص، با رغبت و نه از روی زور و فشار، به احساس مشترکی در زمینه حقوق و رفتار متقابل دست می‌یابند (آقابخش‌ی و افشاری راد، ۱۳۸۶: ۳۲۱؛ کولائی، ۱۳۷۹: ۶-۱۰). در هم‌گرایی، شرایطی ایجاد می‌شود که سازمان‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی بتوانند با حذف عوامل اختلاف‌برانگیز و تعصبات ملی‌گرایانه، به سود اهداف جمعی و منافع مشترک به هم نزدیک شوند (ولایتی، ۱۳۸۹: ۱۵۳؛ کولائی، ۱۳۷۹: ۶-۱۰).

هم‌گرایی اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم مفهومی چنان وسیع است که تمامی شئون زندگی جمعی را شامل می‌شود. این مفهوم به گونه‌ای پایه‌ریزی شده که بتواند زمینه رشد اندیشه و فطرت انسانی را در تمام مراحل فراهم سازد و اقشار مختلف جامعه و جوامع گوناگون را براساس آن به هم پیوند دهد (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۲۶/ ۲۸۶-۲۸۷). از این رو هم‌گرایی اجتماعی حوزه‌ای وسیع‌تر از صرف حوزه‌های فرهنگ و روابط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را در بر می‌گیرد و در تمام شئون زندگی جمعی- از تعاملات اقشار مختلف جامعه با یکدیگر تا نحوه تعامل با محیط زندگی و ارکان حکمرانی مانند جهاد و

روابط بین‌المللی - جریان دارد (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۸۱: ۲/۴۵۵-۴۵۶).

۱-۱. عوامل مؤثر بر تحقق هم‌گرایی اجتماعی

بشریت به صورت فطری برای برآورده کردن نیازهای خویش، به زندگی جمعی روی آورده و روابط انسانی را سامان داده است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲/۱۸۹). از آنجاکه نیازهای انسانی دارای مراتب است، نیازهای معنوی بر نیازهای مادی اثر می‌گذارند و میزان و نحوه پاسخ به آن‌ها را تعیین می‌کنند (موسوی خمینی، ۱۳۶۸: ۱۱)؛ براین اساس نحوه و میزان پاسخ‌گویی به روابط اجتماعی برآمده از نیازهای مادی نیز براساس نیازهای معنوی تعیین می‌شود.

بدین‌سان عوامل مؤثر بر تحقق هم‌گرایی اجتماعی نیز دارای مراتبی متناسب با مراتب وجودی انسانی است که از مرتبه تأمین نیازهای اولیه و غریزه حیوانی تا نیازهای معنوی را شامل می‌شود و این عوامل در هر مرتبه وجودی انسان بر مراتب دیگر تأثیرگذارند و زمینه را برای هم‌گرایی در آن مراتب فراهم می‌کنند (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۲/۴۱۲-۴۱۳).

رویکرد اصلی قرآن کریم ایجاد بستر شکوفایی اندیشه و فطرت انسانی در تمام شئون اجتماعی است تا ساختارهای اجتماعی برآمده از آن، ضمن تأمین نیازهای انسانی در مسیر توحیدی، پیوستگی اجتماعی را نیز در همه مراتب حفظ کند.

از آنجاکه همواره هوای نفس، جهالت‌ها، اختلافات و ... موجب گسست اجتماعی می‌شوند (جوادی آملی، ۱۳۹۸: ۱۷/۳۸۰-۴۰۰)، قرآن برای پابرجا ماندن هم‌گرایی در مسیر توحید، به عوامل ایجاد هم‌گرایی اجتماعی می‌پردازد.

۱-۱-۱. فطرت انسانی

فطرت به معنای سرشت خاص و آفرینش ویژه انسان است که در وجود همه انسان‌ها نهفته است و دچار دگرگونی و تغییر نمی‌شود (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴: ۱۶/۴۱۸). اگرچه میزان ظهور فطرت متغیر است (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۱۲/۲۴)، همه دایره وجودی انسان، از گستره شناخت تا نیازها را در بر می‌گیرد و به‌عنوان موتور محرک و مؤثر بر دیگر

مراتب انسانی و نیازهای فردی عمل می‌کند. در ساحت اندیشه، فطرت مبنای فهم مسائل مهمی است (مطهری، ۱۴۰۱: ب: ۴۸) و به انسان کمک می‌کند تا جهان پیرامون را درک کرده و درباره آن بیندیشد. فطرت گرایش‌های ویژه‌ای دارد که به صورت حضوری در انسان نهفته‌اند؛ مانند حقیقت‌جویی که انسان را به سوی فهم واقعیت‌های جهان سوق می‌دهد. گرایش به خیر و فضیلت نیز از این قبیل است و بشریت را همواره در مسیر صداقت، تقوا، پاکی و ... قرار می‌دهد (همان، ۷۱). فطرت نقطه آغاز حرکت انسان به سوی زیبایی است و فهم حضوری از مضامین این حوزه نیز سرچشمه‌ای فطری دارد. همچنین خلاقیت و اختراع در راستای رشد استعدادها نیز از فطرت نشئت می‌گیرد.

جان آدمی به صورت حضوری به کمال مطلق میل و عشق دارد؛ چراکه فقر مطلق است و در جست‌وجوی تکیه‌گاه مطمئنی است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (فاطر/ ۱۵). فطرت انسانی در تمام مراتب نیازها و استعدادها تأثیرگذار است و آن‌ها را در مسیر حرکت به سوی کمال مطلق هدایت می‌کند. اگرچه انسان در ظاهر به زیبایی میل دارد، درواقع این گرایش فطری به زیبایی مطلق است که او را در مسیر کسب زیبایی قرار می‌دهد: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ وَيُحِبُّ الْجَمَالَ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/ ۴۳۸). بنابراین گرایش‌های فطری و حرکت و رشد استعدادهای انسانی در مسیر وصال به کمال مطلق، هیچ‌گاه متوقف نخواهد شد و تمام هنجارهای انسانی متأثر از آن خواهد بود. همه انسان‌ها، باوجود تفاوت در رنگ و نژاد، دارای فطرت و گرایش‌های فطری مشترک‌اند و به میزان بهره‌مندی از فطرت خویش، در مسیر توحیدی قرار گرفته و روابط اجتماعی‌شان را براساس آن سامان می‌دهند. همچنین آنان هنجارهای مبتنی بر امور فطری را در اخلاق و اعمال خود به نمایش می‌گذارند.

با ظهور فطرت انسانی، باورها و اندیشه‌های افراد با یکدیگر در تضاد قرار نمی‌گیرد؛ بلکه آنان خود را دارای هویتی مشترک براساس اندیشه و فطرت دانسته و به میزان بهره‌مندی از فطرت، در هویت جمعی جامعه نقش ایفا می‌کنند (مطهری، ۱۴۰۲: ب: ۱۲/ ۱۰۰). در چنین شرایطی، تعارض منافع متصور نیست؛ چراکه همگان در مسیری مشترک

که به صورت حضوری فهم می‌شود، قرار گرفته‌اند و در راستای تعالی یکدیگر و ارتقای ساختار اجتماعی فعالیت می‌کنند. آنان همچنین حامی هنجارهای سازنده اجتماعی همچون عدالت، صداقت، مبارزه با ظلم و ... بوده، به مقابله با ناهنجاری‌های اجتماعی برمی‌خیزند. بدین سان هم‌گرایی اجتماعی در تمام مراتب ساختار اجتماعی مانند اقتصاد، آموزش، سیاست و ... نمایان می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۳۳۶).

۲-۱-۱. عقاید مشترک

عقاید مشترک موجب هم‌گرایی اجتماعی است؛ چراکه باورهای انسانی، تمام هنجارهای اخلاقی و رفتاری را سامان می‌دهند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۳/۲۶۲). افرادی که باورهای مشترکی دارند، در یک هویت جمعی قرار گرفته، براساس همان باورهای مشترک، روابط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... خود را سامان داده و نسبت به یکدیگر حس تعلق می‌یابند.

اما فهم این نکته مهم است که کدام باور می‌تواند هویت اجتماعی گسترده‌ای ایجاد کند؛ به‌گونه‌ای که تمام افراد با ویژگی‌های گوناگون و نژادهای مختلف را گرد هم آورده و از این راه بقای خود را تضمین کند؟ همچنین این باورها چقدر می‌توانند در جامعه هم‌گرایی ایجاد کنند؟

برخی باورها که منشأ آن‌ها تقلید، احساسات، منافع و ... است، قادر نیستند تمام ابعاد زندگی، از رفتار تا اخلاق، را در بر بگیرند (جوادی آملی، ۱۳۹۸: ۱۷/۳۹۳). درواقع منافع، احساسات و تقلیدها فقط دایره محدودی از تناسبات با برخی اقوام و گروه‌ها پدید می‌آورند و این موجب می‌شود که هویت‌های جمعی شکل گرفته براساس چنین باورهایی به مکان، قبیله و گروهی خاص محدود بماند.

به‌هررو به‌علت وجود باورهای مختلف و متضاد که منشأ آن‌ها منافع، احساسات، تقلیدهای کورکورانه از گذشتگان و ... بوده است، جامعه و افراد گاه نه‌تنها احساس هویت مشترکی نداشته‌اند، بلکه هیچ نقطه‌ای از هم‌گرایی اجتماعی میان آن‌ها مشاهده نشده است. آن‌ها درحال جنگ با یکدیگر بوده و بر لبه حفره‌ای از آتش، در انتظار نابودی

به سر می برده اند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳/ ۵۷۵). قرآن این معنا را به تصویر کشیده است:

﴿... وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ اِذْ كُنْتُمْ اَعْدَاءً فَالَفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَاصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ اِخْوَانًا وَ كُنْتُمْ عَلٰى شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَاَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمْ آيٰتِهٖ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُوْنَ﴾ (آل عمران/ ۱۰۳).

اما باورهای قرآن چون بر مبنای اندیشه ای گرایش یافته به حق و سامان یافته براساس فطرت انسانی هستند (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ج: ۵/ ۳۸۷)، توانایی آن را دارند که به تمام سطوح هنجارهای اخلاقی و رفتاری تسری یافته، بشریت را با رنگ و نژادهای مختلف در بر بگیرند. تمام انسان ها از فطرت پاک و قوه اندیشه برخوردارند و به تناسب این بهره مندی، باورهایشان در اعمال و اخلاق آنان تجلی می یابد؛ چنان که خود را دارای یک هویت مشترک براساس اندیشه و فطرت می دانند. در این هویت، افراد دارای مرتبه های گوناگونی هستند که نه تنها موجب تضاد و درگیری میان آنان نمی شود، بلکه بین قلبشان محبتی ایجاد می شود. این محبت احساس برادری را تقویت کرده و آنان مانند برادرانی که در راستای ارتقای یکدیگر تلاش می کنند، با هم تعامل برقرار می کنند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۵: ۴/ ۲۸۹-۲۹۰). ارتباطات در چنین جامعه ای از هم گرایی منحصر به فردی برخوردار است؛ زیرا، چنان که آمد، مسیر ارتباط از باورهایی با منشأ یکسان سرچشمه می گیرد و این موجب پیدایش شاخصه ها و هنجارهای یکسان رفتاری و اخلاقی می شود. از این رو تمام باورهای اسلام با اندیشه گره خورده اند و تا زمانی که اندیشه انسانی به مسیر اسلام گرایش پیدا نکند، نمی توان فردی را مجبور به ایمان آوردن کرد (طوسی، بی تا: ۵/ ۱۷۵؛ توبه/ ۶). بر این اساس انبیا تمام تلاش خود را به کار برده اند تا با قطع زنجیر تعلقات از اندیشه انسانی، انسان را به تفکر وادارند و سپس اسلام را به او عرضه دارند تا با اندیشه به اسلام گرایش پیدا کند (ذاریات/ ۲۰-۲۱). ایجاد هویت مشترک و هم گرایی اجتماعی در اسلام براساس باورهای مشترک، نه تنها در نظریه شامل تمام انسان ها و جوامع می شود، بلکه در طول تاریخ توانسته است اقوام و ملل مختلفی را که به طور کامل با هم متفاوت بوده اند، در یک مسیر قرار دهد. یکی از معجزات اجتماعی اسلام در طول تاریخ، از بین بردن جریان های مانع اندیشیدن است. این امر زمینه و فرصت اندیشیدن ایجاد می کند تا

مردم به تدریج و با آزادی کامل به باورهای اسلامی گرایش یابند. بدین سان آنان خود را در جامعه اسلامی دیده و با هم‌گرایی اجتماعی ایجاد شده، در یک هویت اجتماعی مشترک قرار می‌گیرند (مطهری، ۱۴۰۲: ۳۲۰).

۳-۱-۱. فضایل اخلاقی مشترک

اخلاق یکی از مهم‌ترین وجوه تمایز انسان با موجودات دیگر و مبنای بسیاری از عملکردهای اوست. اخلاق ساختار اجتماع و روابط آن را شکل می‌دهد و میزان ارتباط افراد و هم‌گرایی اجتماعی را تعیین می‌کند. از این رو فهم جایگاه اخلاق در زندگی انسان و تأثیر آن در روابط اجتماعی می‌تواند جایگاه و اهمیت هم‌گرایی اجتماعی حاصل از آن را به نمایش بگذارد. به این منظور، ابتدا معنای اخلاق و جایگاه آن در رفتار انسانی بررسی می‌شود.

اخلاق عبارت است از ملکات نفسانی و هیئت‌های روحی که باعث می‌شوند کارها، زشت یا زیبا، به‌آسانی از نفس متخلّق به اخلاق خاص نشئت بگیرند (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۷۳/۱۰). بنابراین اخلاق همانند روحی جاری در رفتار انسانی تجلی می‌یابد و او را از دیگر حیوانات متمایز می‌کند. اخلاق معیارهای بایدها و نبایدها را در رفتار انسانی ایجاد می‌کند. در این نگاه، نحوه تحصیل ملکات نفسانی و بایدها و نبایدها در نفس انسان اهمیت دارد؛ زیرا پس از تحصیل این ملکات، هنجارهای رفتاری و روابط حاصل از آن شکل می‌گیرد (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱/۳۹۰).

بدین سان اخلاق دایره وسیعی دارد که شامل قوای انسانی، اندیشه و رفتار او می‌شود. انسان در کارزار خیال، یعنی وهم و خواسته‌های نفسانی، به اندیشه و فطرت گرایش دارد و هنجارهای حاصل از این گرایش، فضایل اخلاقی نامیده می‌شوند. بدین سان بشریت در عرصه حیات از فضایل و رذایل اخلاقی آگاهی فطری دارد و در صورت فراهم آمدن فرصت اندیشه و کنار رفتن موانع آن می‌تواند به صورت حضوری به فضایل اخلاقی متمایل شود (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۷۷/۱۰). بر این اساس انسان گرایش فطری به سمت حیا، عفت و شجاعت دارد و حد افراط و تفریط آن را رذیله اخلاقی می‌داند (مطهری،

۱۴۰۲ هـ: ۸۲). همچنین او در اجتماع، رعایت حقوق دیگران را شایسته می‌داند و در تمام زمینه‌ها خواستار رعایت استحقاق‌ها و جانب انصاف است. از این رو حضرت علی علیه السلام تعصب ورزیدن در کسب فضایل اخلاقی را امری نیکو می‌داند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۲/۲۰۰).

فضایل اخلاقی به علت هماهنگی کامل با نظام احسن موجب پویایی محیط زندگی می‌شوند؛ زیرا محیط اطراف را مخلوق پروردگار می‌بینند و برای آن حقوقی قائل هستند. رعایت این حقوق، فضیلت اخلاقی به شمار آمده و عدم رعایت آن، رذیله اخلاقی است (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ب: ۱۴). از این رو انسان متعبد شکار حیوانات برای کام‌جویی و نابودی کشتزارها را رذیله اخلاقی می‌داند و هرگز به خود اجازه نمی‌دهد برای تأمین خواسته‌های نفسانی خود محیط اطراف را از بین ببرد.

اخلاق در این نگاه، از جنبه فردی تا جنبه اجتماعی، که مبنای روابط انسانی و ساختارهای آن است، هنجارهای فردی و اجتماعی را ایجاد می‌کند؛ به گونه‌ای که افزون بر ایجاد تعادل در قوای انسانی و تحت تسلط اندیشه و وحی درآوردن آن، به سوی کمال مطلق و عبودیت حرکت می‌کند و شاخصه‌های ارزیابی را در این ابعاد به وجود می‌آورد. بدین سان فرد می‌تواند فضایل اخلاقی را در جنبه‌های فردی و اجتماعی ارزیابی کرده و در راستای بهبود آن‌ها اقدام کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۳۸/۱).

هم‌گرایی اجتماعی حاصل از فضایل اخلاقی در تمام سطوح اجتماعی جاری می‌شود؛ زیرا انسان به عنوان نقطه کانونی ایجاد روابط اجتماعی، هنجارهای رفتاری خود را در مسیر توحیدی تعریف می‌کند. اولین اثر این تعریف ایجاد روابط متعادل در تمام زمینه‌هاست؛ چنان‌که نیازهای فطری، به عنوان سرمنشأ حرکت انسانی نیز در روابط اجتماعی برآورده می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۴۰/۴۰). در چنین فضایی، عوامل گسست جوامع و افراد از یکدیگر مانند کام‌جویی‌ها، قدرت‌طلبی‌ها و حرص و طمع جایگاهی ندارند؛ از این رو فضایل اخلاقی نمایه‌هایی از هم‌گرایی اجتماعی را به نمایش می‌گذارند که در روابط جوامع دیگری که نهاد ارزش‌گذاریشان متفاوت است، قابل

مشاهده نیست. در روابط اقتصادی جامعه دینی‌ای که محل تبلور اخلاق است، در زمان سختی و تنگ‌دستی، افراد دیگر را بر خود ترجیح می‌دهند: «وَالَّذِينَ تَبَوَّأُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُخِيبُونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (حشر/۹). حرکت به سوی توحید چنان انسان‌ها را از منفعت‌گرایی جدا می‌کند و به سمت ایثار سوق می‌دهد که بخل، حسد و حرص و طمع در وجود آنان جایی ندارد و به آنچه به دیگران اعطا شده، احساس نیاز نمی‌کنند؛ بلکه حتی با وجود فقر و نیاز شدید، دیگران را بر خود مقدم می‌دارند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۹/۳۹۳). هم‌گرایی اجتماعی در چنین مرحله‌ای افزون بر ایجاد ساختارهای اجتماعی جدیدی که موجب بروز استعداد‌های گوناگون می‌شود، الطاف الهی را نیز جلب می‌کند (اعراف/۹۶؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ۸/۲۵۴).

اما بیرون از مسیر‌گرایی‌های فطری و اندیشه، افراد فقط کسب منافع و قدرت طلبی را هنجار اخلاقی دانسته و هر امر خلاف آن را ضداخلاق می‌دانند. در این نگاه، رسیدن به هوا و هوس هدف نهایی است «أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ» (جاثیه/۲۳)؛ از این رو می‌توان به تعداد افراد، هنجارهای اخلاقی گوناگونی یافت و این یعنی نسبی شدن اخلاق که نمی‌توان براساس آن، شاخصه‌هایی برای ارزیابی تعیین کرد (مطهری، ۱۴۰۲: ۷۷). بدین سان در جامعه‌ای که مبنای ایجاد آن تنازع بقا و کام‌جویی فردی است، خبری از هم‌گرایی وجود نخواهد داشت (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۸/۱۵۷).

۴-۱-۱. عدالت‌ورزی

یکی از عوامل مهم ایجاد هم‌گرایی اجتماعی عدالت‌ورزی است. عدالت در روند رشد انسانی جایگاه مهمی دارد؛ به گونه‌ای که یکی از اهداف بعثت انبیا ایجاد زمینه‌های برپایی عدل به دست بشریت بوده است (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۹۰: ۳/۷۳). علت این امر آن است که خلقت پروردگار در نهایت توازن و هماهنگی صورت گرفته و انسان نیز براساس همین خلقت، در بهترین و متوازن‌ترین حالت ممکن پا به عرصه وجود گذاشته و خود به صورت فطری به عدالت میل دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۶/۲۹۸). در واقع

این گرایش همچون گرایش به زیبایی است و انسان به صورت ناخودآگاه در پی این است که براساس شایستگی، فعالیت‌ها و استحقاق‌ها حقوق افراد و البته خودش رعایت شود (مطهری، ۱۴۰۲: ۲۳۱-۲۳۲). چنین انسانی برای محیط پیرامون خویش شایستگی‌ها و استحقاق‌هایی قائل است و تنها به برآوردن منافع خود نمی‌اندیشد (همان، ۹۰).

خداوند در قرآن به گرایش فطری عدالت اشاره کرده و آن را در جنبه‌های مختلف زندگی بشر به تصویر کشیده است تا از این طریق، غبار غفلت و جهالت کنار برود و به یاری اندیشه، این میل فطری در تمام شئون زندگی گسترش یابد و انسان را به سرمنشأ عدالت که همان پروردگار عالم است، رهنمون شود. برای حفظ عدالت نیز بر رعایت قوانین الهی یعنی شریعت پیامبران در تمام سطوح زندگی تأکید شده است؛ چراکه رعایت عدالت و انصاف در تمام سطوح، پشتوانه‌ای مهم در مسیر توحید و قرب پروردگار است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲/ ۱۶۸).

آنجا که آیات الهی افراد را به رعایت عدالت توصیه می‌کنند، هدف، تجلی عدالت در شخصیت افراد است تا با نظام تکوین هماهنگ شده و قوایی مانند قوای غضبیه، شهویه و واهمه تحت سیطره عقل، به توازن و تعالی برسند: ﴿فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىَٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلُوتُوا أَوْ تَعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا﴾ (نساء/ ۱۳۵).

در این آیه، ضمن سفارش به پرهیز از هوای نفس، کام‌جویی و قدرت‌طلبی، به پیروی از حق امر شده است. بدیهی است که پیروی از حق تنها زمانی امکان‌پذیر است که قوای اندیشه و شریعت بر دیگر قوا حاکم باشند. در این حالت، انسان می‌تواند به حقیقت وجودی خود پی ببرد (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۶۴-۱۶۵). افزون بر این مسلمانان در روابط اجتماعی خود، با مسلمان یا غیرمسلمان، باید جانب عدالت را رعایت کنند و به طور مطلق از ظلم، خیانت و مردم‌آزاری پرهیزند: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَعْدِلُوا بِالْعَدْلِ﴾ (نساء/ ۵۸).

به هررو اشاره به رعایت عدالت در همه جنبه‌های زندگی بشری و گرایش فطری انسان به عدالت موجب می‌شود که در تمام سطوح نیازمندی، افزون بر گرایش فطری به عدالت،

استعدادها و استحقاق‌های دیگران نیز در روابط اجتماعی رعایت شود. توضیح مطلب اینکه انسان به صورت فطری از وجود عدالت در تمام مراتب وجودی خود (مادّی و غیرمادّی) آگاهی دارد و در پی ایجاد تعادل میان آن‌ها و استواری حکومت اندیشه بر آن‌هاست؛ اندیشه‌ای که خود به پروردگار عالم به عنوان کمال مطلق گرایش دارد (جوادی آملی، ۱۳۹۸: ۱۷/۳۶۶-۳۶۹). در این حالت، تمام استعدادها، قوا و نیازمندی‌های انسان متعادل شده و در مسیر توحید که هم‌خوانی کاملی با فطرت انسانی و گرایش‌های او دارد، رشد می‌یابند. هم‌زمان با این تناسب و تعادل قوای انسانی، روابط نیز که منشأ برآورده کردن و تکامل نیازها و قوای انسانی است، به صورت متعادل رشد می‌کند؛ به گونه‌ای که تمام استعدادها و توانمندی‌های انسان‌ها و جوامع که خود منشأ الهی دارند، محترم شمرده می‌شود. این امر افزون بر حفظ تفاوت‌ها، به علت ایجاد روابط سازنده، به بروز استعداد‌های گوناگون می‌انجامد؛ چراکه افراد و جوامع از استعداد‌های دیگران استفاده می‌کنند و در مقابل، استعداد‌های خود را در اختیار آنان قرار می‌دهند و این سرانجام، پیوستگی انسان‌ها و جوامع به عنوان پیکری واحد را به ارمغان می‌آورد.

۵-۱-۱. امنیت مشترک

امنیت در منطق قرآن مفهوم وسیعی است که تمام شئون زندگی اجتماعی، سیاسی و اخلاقی را در بر می‌گیرد. انسان مؤظف است برای حفظ این امنیت بکوشد و مانع تغییر و یا خیانت در آن بشود (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴: ۱۳۶/۷). علت اینکه امنیت به جان انسان نسبت داده می‌شود، این است که قلب و روح انسان با اعتقادش گره خورده و محکم و استوار شده است. در چنین حالتی، شک و تردید به وجود نمی‌آید و اضطراب وجود انسان را فرانمی‌گیرد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱/۷۳). بنابراین می‌توان گفت امنیت در تمام ابعاد انسانی و روابط فردی و اجتماعی جریان دارد؛ از احساس آرامش درونی تا امنیت فردی در اجتماع و از امنیت اجتماعی تا احساس امنیت از سوی جوامع دیگر. انسان از قلب و درون خود تا پیچیده‌ترین روابط اجتماعی، در پی ایجاد امنیت و آرامش است و به صورت ناخودآگاه آن را جست‌وجو می‌کند. او از جایگاه امنیت در تمام این

ابعاد، فهم حضوری دارد و می‌تواند میزان آن را ارزیابی کند (مطهری، ۱۳۷۸: ۱۷/۹۳). هم‌گرایی اجتماعی ناشی از امنیت نیز، با توجه به گستردگی این مفهوم، در تمام مراتب انسانی و روابط آن شکل می‌گیرد. وجود حس آرامش و امنیت فردی که خود نتیجه رشد متعادل قوای انسانی و برآورده شدن نیازهای مادی و معنوی در مسیر توحید است، بر هنجارهای اخلاقی فرد تأثیر می‌گذارد. از دیدگاه فردی، این امر پیکره‌ای متعادل از نظام اخلاقی ایجاد می‌کند که سرشار از امنیت و آرامش است. روابط اجتماعی ناشی از تعاملات انسانی نیز در راستای استعدادها، نیازها و هنجارهای اخلاقی متعادل شده و در کمال امنیت و آرامش شکل می‌گیرد. این روابط اجتماعی که هیچ جنبه‌ای از آن بر دیگری برتری ندارد، در کمال تعادل و آرامش رشد می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۶۳).

در جامعه توحیدی، افراد فرصت می‌یابند استعدادهای خود را در مسیر توحید به رشد و بالندگی برسانند. این امر به آنان آرامش درونی می‌بخشد (مطهری، ۱۴۰۲: ۳۳-۳۴) تا بتوانند خود را به عنوان جزئی از پیکره جامعه در روابط گوناگون اقتصادی، فرهنگی، نظامی و ... سهیم بدانند.

تلازم میان فرد و روابط اجتماعی، در آرامش و امنیت حاکم بر جامعه توحیدی به عالی‌ترین مرتبه خود می‌رسد. در چنین جامعه‌ای، فرد امنیت و آرامش خود را در گرو امنیت و آرامش جامعه می‌داند و در راستای ارتقای آن در ساختارهای گوناگون می‌کوشد. این تلازم یکی از نمودهای بارز هم‌گرایی اجتماعی است.

امنیت در جامعه توحیدی و هم‌گرایی ناشی از آن، در گرو حرکت انسان به سوی توحید است؛ اما اگر انسان به سوی توحید حرکت نکند، امنیت حاصل از این مسیر غیرتوحیدی کاملاً متفاوت خواهد بود. در چنین جامعه‌ای، از دیدگاه اخلاق و هنجارهای اجتماعی، کانونی برای هم‌بستگی میان افراد وجود نخواهد داشت و بر اثر قدرت‌طلبی و کام‌جویی، رذایلی همچون طمع، حرص، تعدی به حقوق دیگران و استعمار به وجود خواهد آمد که خود از عوامل گسست جامعه هستند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴: ۳/۵۴). وجود روابط مبتنی بر قانون اگرچه می‌تواند در تأمین نیازهای

مادّی نقش‌آفرین باشد، نمی‌تواند امنیت و آرامش را به عمق درون و جان آدمی نفوذ دهد. روابط اجتماعی در چنین جامعه‌ای فقط از فرهنگ منفعت‌گرایی سرچشمه می‌گیرد و این نظم و تعادل ایجاد شده در تأمین نیازهای مادّی، تنها روحیه منفعت‌گرایی را تقویت می‌کند. از این رو در صورت از بین رفتن نظارت‌های اجتماعی، ضمانتی برای تأمین امنیت و اجرای قوانین وجود نخواهد داشت (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۰۲).

۶-۱-۱. منافع مشترک

منافع مشترک عامل هم‌گرایی افراد و جوامع با یکدیگرند؛ چنان‌که هر قدر دایره منافع مشترک گسترش یابد، هم‌گرایی نیز گسترش می‌یابد. از آنجاکه حرکت در مسیر برآوردن نیازها و کسب منافع در سرشت آدمی نهادینه شده، از ابتدای خلقت، انسان به صورت گروهی در این مسیر فعالیت خود را شروع کرده است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۴۵/۴)؛ فعالیت‌هایی که به ایجاد منافع مشترکی انجامیده و این موجب پدید آمدن مراتب مختلفی از هم‌گرایی اجتماعی شده است.

در نگاه قرآنی، توجه به تمام منافع در مراتب گوناگون مورد تأکید است (اعراف/۳۲؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴: ۱۵۰/۶)؛ اما نکته مهم این است که منافع مشترک که در ایجاد ساختارهای گوناگون جامعه مانند اقتصاد، آموزش، محیط زیست، امنیت و ... نقش ایفا می‌کنند، در مسیر توحیدی و اندیشه قرار گیرند و براساس آن، هم‌گرایی اجتماعی و ساختارهای اجتماعی ایجاد شود. مسیر توحیدی و اندیشه، تعریف کاملاً متفاوتی از منافع مشترک در پی خواهد داشت؛ همان‌گونه که منافع فردی نیز تعریفی کاملاً متمایز خواهد یافت؛ چراکه منافع مادّی و معنوی با منفعی که از فطرت انسانی سرچشمه می‌گیرد، هم‌سو است. در این نگاه، منافع فرد با منافع جامعه در هم می‌آمیزد و نقطه تعارضی میان منافع فردی و جمعی نخواهد بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۱۱۲/۳).

افراد در جامعه قرآنی، تنها به منافع مادّی خود اصالت نمی‌دهند و به دنبال استخدام و استعمار دیگران گام بر نمی‌دارند؛ چراکه استعمار دیگران با منافع نشئت‌گرفته از فطرت انسانی هم‌سویی ندارد (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۰۵). در واقع مسیر توحیدی منافع مشترک

جدیدی را پدید می‌آورد که در جوامع غیرتوحیدی نشانه‌ای از آن نیست؛ برای نمونه جامعه توحیدی تنها به تأمین امنیت برای کسب منافع مادی بسنده نمی‌کند؛ بلکه هدف متعالی‌تری را که همان تأمین امنیت مسیر توحیدی است، در نظر دارد. بدیهی است افراد جامعه در راستای رسیدن به این هدف، هم‌افزایی و هم‌گرایی بیشتری را پدید می‌آورند تا بتوانند امنیت مسیر توحیدی را تأمین کنند (خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۷/۲۱).^۱ بدین‌سان حرکت در تأمین امنیت مسیر توحیدی، درجه‌ای از هم‌گرایی در جامعه را پدید می‌آورد که در رشد و بالندگی عرصه‌های دیگر جامعه و منافع آن نمود پیدا خواهد کرد؛ امری که در جامعه غیرتوحیدی نمی‌توان نشانه‌ای از آن یافت (جوادی آملی، ۱۳۹۸: ۱۷/۴۲).

۱-۱-۷. تاریخ مشترک

تاریخ یکی از عوامل ایجاد هم‌گرایی اجتماعی است؛ چراکه به بیان وقایع، حوادث و اوضاع انسان‌ها می‌پردازد و قواعد و سنن حاکم بر زندگی گذشته و عوامل گسترش و سقوط آن‌ها را تحلیل می‌کند (مطهری، ۱۴۰۱: ۶۸-۶۹). بیان و تحلیل تاریخی هنگامی که رنگ الهی به خود می‌گیرد، بیان‌کننده راه انسان‌ها می‌شود تا براساس شاخصه‌های امتدادیافته در طول تاریخ بشریت، مسیر هدایت مشخص شود. از دیدگاه قرآن کریم، تاریخ جوامع به دو گونه موجب هم‌گرایی اجتماعی میان جوامع و افراد می‌شود:

۱. برخی آیات الهی برگی از تاریخ را یادآور می‌شوند که اشتراکات بشریت را آشکار می‌سازد و از این طریق به صورت مستقیم بر هم‌گرایی اجتماعی تأثیر می‌گذارد؛
۲. برخی دیگر نیز گزاره‌هایی از سنت‌های مشترک در میان جوامع انسانی را طرح می‌کنند و از این طریق به صورت غیرمستقیم در ایجاد هم‌گرایی اجتماعی نقش ایفا

۱. سید علی خامنه‌ای، «بیانات در ارتباط تصویری با مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح»، ۱۳۹۹/۷/۲۱، <https://kh.lnk/f/46633>.

می‌کنند.

اینک به تبیین جایگاه تاریخ در هم‌گرایی اجتماعی پرداخته می‌شود.

الف) گزاره‌های مشترک بشریت در آینه قرآن

بیان گزاره‌های تاریخی باعث می‌شود که تمام انسان‌ها، با وجود تفاوت‌های نژادی و قومی، به این نکته پی ببرند که می‌توانند براساس گزاره‌های یادشده، هویت مشترکی میان خود ایجاد کنند. این هویت مشترک به عنوان پایه‌ای برای هم‌بستگی و تعلق خاطر میان آنان عمل کرده و همواره این حقیقت را یادآور می‌شود که همه انسان‌ها دارای نقطه پیدایش یکسان اند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴: ۳/۲۴۵) و مسیر رشد و نمو ثابتی را می‌پیمایند. انسان‌ها در طول تاریخ به دنبال برآوردن نیازهای مادی و معنوی مشترک بوده‌اند و دارای ادراکاتی هستند که از سرمنشأ الهی سرچشمه گرفته و آفرینش مخصوصی دارند که انسانیت براساس آن شکل می‌گیرد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۶/۲۶۷). میل به نیازهای مهمی چون حرکت به سوی کمال مطلق در آن‌ها نهادینه شده و هدف مشترکی را دنبال می‌کنند که همان پرستش پروردگار به عنوان منشأ همه کمالات است. آنان در این مسیر، نقشه راه مشترکی را در طول تاریخ می‌پیمایند و باید در آن ثابت قدم بمانند (بقره/ ۳۸).

این تصویرگری تاریخی موجب می‌شود انسان بار دیگر به نحوه آفرینش خویش و میل‌های متعالی توجه کرده و روابط خود با دیگر انسان‌ها و جوامع را براساس آن سامان دهد. بدیهی است در صورتی که انسان به این موارد توجه کند، با محوریت فطرت و اندیشه خویش، در مسیر انبیای الهی گام برمی‌دارد و به سوی کمال مطلق و عبودیت پروردگار حرکت می‌کند. بدین سان اگر مورخان همچون قرآن کریم به موارد یادشده بپردازند و رویدادهای تاریخی را براساس آن‌ها ذکر و تحلیل کنند، قلوب انسان‌ها به یکدیگر نزدیک شده و این موجب هم‌گرایی اجتماعی می‌شود.

ب) سنت‌های مشترک جوامع در آئینه قرآن

قرآن کریم در راستای به فعلیت رساندن استعداد‌های انسان در مسیر توحید، تنها به نقل گزاره‌های مستقیم برای ایجاد هم‌گرایی اجتماعی بسنده نمی‌کند؛ بلکه به سنت‌های مشترک جوامع و گزاره‌های تاریخی مربوط به آن نیز می‌پردازد که این امر به صورت غیرمستقیم بر ایجاد هم‌گرایی اجتماعی اثر می‌گذارد. در واقع وقتی که افراد جامعه خود را در جایگاه مخاطب آیات الهی قرار می‌دهند، به این نکته پی می‌برند که علل ترقی و انحطاط جوامع گذشته چه بوده است. آنان گویی جامعه را فردی می‌پندارند که دارای عوامل سعادت و شقاوت است؛ بنابراین می‌کوشند از سرگذشت او عبرت بگیرند (صدر، ۱۳۸۱: ۶۱-۶۲).

به هر رو بررسی دقیق برگ‌هایی از تاریخ که در قرآن کریم ذکر شده، بشریت را به این حقیقت آگاه می‌سازد که عامل موفقیت او توجه به گرایش‌های فطری انسانی و اندیشه است که در لوای قوانین دین الهی به تکامل می‌رسد (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱/۲۵).^۱ از این رو ذکر تاریخ انسانیت و جوامع، از نحوه ایجاد تا پایان، موجب توجه انسانیت به عوامل پایداری و انحطاط جوامع شده و به هم‌گرایی گسترده‌تر افراد و جامعه در دوره حاضر می‌انجامد.

۸-۱. سرزمین و زبان مشترک

سرزمین و زبان مشترک می‌تواند در مراتب گوناگون زندگی بشری به هم‌گرایی اجتماعی بینجامد؛ چراکه اجتماعی بودن در آفرینش انسان نهاده شده و قانون خلقت پروردگار بر این بوده که انسان‌ها برای برآوردن نیازهایشان با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. قرآن سطوح مختلف روابط اجتماعی را به تصویر می‌کشد و متناسب با آن، واژه‌های مختلفی به کار می‌برد (جوادی آملی، ۱۳۹۸: ۱۷/۲۵، ۳۸).

نهاد خانواده خانه خویش را مکان امن خود می‌داند و به عنوان جزئی از یک شهر،

۱. سید علی خامنه‌ای، «بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی»، ۱۳۹۷/۱/۲۵.

روابطش را در آن سامان می‌دهد. همچنین این نهاد به عنوان عضوی از یک ملت نسبت به مرزهای سرزمینش با سرزمین دیگر ملل احساس تعلق می‌کند؛ از این رو در منظومه قرآن اخراج مردم از سرزمینشان امری مذموم است (فضل الله، ۱۴۱۹: ۱۱۶/۲) و تنها در برخی شرایط مجاز شمرده می‌شود: ﴿ثُمَّ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَ تَخْرُجُونَ فَرِيقًا مِنْكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِمْ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِنْ يَأْتُوكُمْ أُسَارَىٰ تُفَادُوهُمْ وَ هُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَ تَكْفُرُونَ بَبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ وَ مَا لِلَّهِ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾ (بقره/۸۵).

افرادی که در محیط مشترکی به سر می‌برند، هویت جمعی خود را براساس آن محیط و نوع ارتباطشان سامان می‌دهند. روابط اجتماعی و حس هویت مشترک این افراد از طریق تعاملات در قالب تحصیل، کار، تأمین امنیت و ... گسترش می‌یابد. این هویت مشترک و هم‌بستگی اجتماعی به مرحله‌ای می‌رسد که تأثیرپذیری از افرادی که خارج از آن اجتماع قرار دارند، کاهش می‌یابد؛ از این رو قرآن برای تبلیغ مباحث دینی، فردی از همان قوم و جامعه را مأمور می‌کند (مدرسی، ۱۴۱۹: ۳۰۲/۴).

نقش زبان و سرزمین مشترک در ایجاد هم‌گرایی اجتماعی در طول تاریخ چندان اهمیت داشته که گاهی به وسیله حکومت‌های طاغوتی، دستاویزی برای مقابله با اندیشه و دعوت الهی قرار گرفته است (طه/۵۷؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴: ۲۲۸/۱۳). اما اگر موهبت الهی عشق به سرزمین و روابط اجتماعی، بر پایه فطرت و اندیشه انسانی سامان یابد، افزون بر حفظ روابط میان افراد در جوامع و حس تعلق خاطر آنان به محیط پیرامون، پیوند میان آنان و دیگر جوامع نیز میسر خواهد شد. به عبارت دیگر اهل یک جامعه، ضمن حفظ ارتباطات و سرزمین خود، خواهند توانست در راستای رشد اندیشه و نیازهای فطری‌شان با سرزمین‌های دیگر نیز ارتباط برقرار کنند. بدین سان آنان از استعداد دیگران در راستای اعتلای سرزمین خود و جامعه‌شان بهره می‌برند و دیگران را از توانمندی‌های خود بی‌نصیب نمی‌گذارند. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «ما ناسیونالیسم را به معنای مثبتش قبول داریم. هرکس باید به میهن خودش علاقه داشته

باشد. مگر می‌شود کسی از میهن خودش دور باشد؟ ناسیونالیسم به این معنا چیز خوبی است؛ اما به این معنا که چون من اهل اینجا هستم، پس بایستی علیه همه ملت‌های دیگر توطئه کنم و بدخواه آنان باشم و علیه آنان کید و مکر داشته باشم. این بد است؛ یعنی اثبات وابستگی من به اینجا، جزئیّت من از خانواده عمومی و جهانی را نفی کند. معمولاً این ناسیونالیست‌ها، وقتی که گرایش ناسیونالیستی در یک جا خیلی قوی می‌شود، این طوری هستند. علی‌ای حال توجه بکنید که این، آن را نقض نکند؛ یعنی در برنامه‌ها مورد توجه باشد...» (خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱/۲۶).^۱

نتیجه

از دیدگاه قرآن کریم، هم‌گرایی اجتماعی مفهوم وسیعی است که همه شئون زندگی جمعی را در بر می‌گیرد. این هم‌گرایی بر اندیشه و فطرت انسانی استوار است که به رشد استعدادها و قوای متناسب در این مسیر می‌انجامد. روابط اجتماعی مورد تأیید قرآن نیز از چنان نظم و تعادلی برخوردارند که سعادت بشر در تمام شئون زندگی‌اش را تضمین کرده و موجب هم‌گرایی اجتماعی می‌شوند. بدین سان هر بخش از روابط اجتماعی بر انسجام جامعه در بخش‌های دیگر تأثیرگذار است و هیچ‌گاه توجه به نیاز یا استعداد فردی موجب تضییع حقوق یا توانایی‌های دیگران نمی‌شود.

از آنجا که فطرت انسانی دایره وجودی انسان را در بر گرفته است، موجب ایجاد هویتی مشترک در جامعه انسانی می‌شود و هر فرد به میزان بهره‌مندی از فطرت، در شکل‌گیری هویت جمعی جامعه نقش ایفا می‌کند. همان‌گونه که عقاید برگرفته شده از باورهای قرآنی و اندیشه مبتنی بر وحی، در تمام سطوح هنجارهای اخلاقی و رفتاری جامعه تسری می‌یابد، هر فرد به میزان بهره‌مندی از اندیشه و فطرت، نمود بیشتری از باورها را در اعمال و اخلاق خود به نمایش می‌گذارد؛ به‌گونه‌ای که بشریت خود را دارای یک هویت مشترک

۱. خامنه‌ای، سید علی، «بیانات در دیدار اعضای ستاد برگزاری کنفرانس جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام)»،

می‌بیند؛ هویتی که هم‌گرایی بی‌مانندی پدید می‌آورد.

فضایل اخلاقی ریشه‌گرفته از فطرت و اندیشه‌ی انسانی، هنجارهای اجتماعی را در جامعه پدید می‌آورد. این هنجارها که با نظام احسن پروردگار هماهنگی تام دارند، نه تنها موجب پویایی محیط زندگی می‌شوند، بلکه هم‌گرایی اجتماعی را نیز تقویت می‌کنند؛ چراکه هنجارهای فردی و اجتماعی در آن کاملاً هم‌سو بوده و شاخص‌های ارزیابی یکسانی برای جامعه ارائه می‌دهند. این هماهنگی، مانع گسترش رذایل اخلاقی می‌شود. عدالت‌ورزی با ایجاد تعادل میان استعدادها و نیازهای انسانی، زمینه‌ساز روابط اجتماعی متعادل می‌شود. این تعادل نیز احترام به تمام توانمندی‌های فردی و جمعی را تضمین کرده، حقوق انسان‌ها و جوامع را پاس می‌دارد و از هرگونه تعدی جلوگیری می‌کند. چنین رویکردی به پیوستگی انسان‌ها و جوامع می‌انجامد؛ چنان‌که با حفظ استعدادهای خاص خویش به یک پیکره واحد تبدیل می‌شوند.

از آنجا که روابط اجتماعی و استعدادهای انسانی در جامعه توحیدی به‌طور متعادل مورد توجه قرار می‌گیرند، امنیت در تمام سطوح جریان دارد و این خلاف واقعیت جامعه غیرتوحیدی است که در مراتب آن، به علت قدرت‌طلبی و منفعت‌گرایی، کانون هم‌بستگی وجود ندارد. افزون بر این در جامعه توحیدی، منافع مشترک به‌علت نشئت گرفتن از فطرت و اندیشه به‌طور کامل با یکدیگر هم‌سو هستند و در مسیر کمال مطلق قرار می‌گیرند. از این رو منافع فرد با منافع جامعه درهم می‌آمیزد و هم‌افزایی و هم‌گرایی منحصر به فردی ایجاد می‌شود.

برخی آیات الهی از طریق آشکار ساختن اشتراکات بشریت، مانند نقطه پیدایش یکسان موجب ایجاد هویت مشترک، به‌عنوان پایه‌ای برای هم‌بستگی و تعلق خاطر میان افراد جامعه می‌شوند و برخی دیگر با طرح گزاره‌هایی از سنت‌های مشترک میان جوامع انسانی، انسان را متوجه عوامل پایداری و انحطاط جوامع کرده و از این طریق موجب هم‌گرایی افراد در جامعه می‌شوند. میهن و زبان مشترک نیز از دیگر عواملی است که به هم‌گرایی اجتماعی می‌انجامد.

منابع

۱. آقابخش، علی و مینو افشاری راد، فرهنگ علوم سیاسی، چاپار، تهران، ۱۳۸۶ ش.
۲. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، سخن، تهران، ۱۳۸۱ ش.
۳. جوادی آملی، عبدالله، ادب فنای مقربان، ج ۱، تحقیق و تنظیم محمد صفایی، اسراء، قم، ۱۳۸۸ (آ) ش.
۴. جوادی آملی، عبدالله، ادب قضا در اسلام، تحقیق و تنظیم مصطفی خلیلی، اسراء، قم، ۱۳۹۰ ش.
۵. جوادی آملی، عبدالله، اسلام و محیط زیست، تحقیق و تنظیم عباس رحیمیان، اسراء، قم، ۱۳۸۸ (ب) ش.
۶. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم؛ تفسیر قرآن کریم، ج ۴۰، تنظیم و ویرایش علی اسلامی، اسراء، قم، ۱۳۸۹ (آ) ش.
۷. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم؛ تفسیر قرآن کریم، ج ۵، تنظیم عبدالکریم عابدینی، اسراء، قم، ۱۳۸۸ (ج) ش.
۸. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم؛ تفسیر قرآن کریم، ج ۲۶، تحقیق و تنظیم حسین اشرفی، اسراء، قم، ۱۳۹۴ ش.
۹. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم؛ جامعه در قرآن، ج ۱۷، تحقیق مصطفی خلیلی، اسراء، قم، ۱۳۹۸ ش.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم؛ فطرت در قرآن، ج ۱۲، تنظیم و ویرایش محمد رضا مصطفی پور، اسراء، قم، ۱۳۹۶ ش.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم؛ مبادی اخلاق در قرآن، ج ۱۰، تنظیم و ویرایش حسین شفیع، اسراء، قم، ۱۳۸۷ ش.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله، حق و تکلیف در اسلام، تحقیق و تنظیم مصطفی خلیلی، اسراء، قم، ۱۳۸۸ (د) ش.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله، رحیق مختوم، ج ۱۲، تحقیق قاسم جعفرزاده، اسراء، قم، ۱۳۸۴ ش.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله، سرچشمه اندیشه، ج ۲، تنظیم عباس رحیمیان محقق، اسراء، قم، ۱۳۸۵ ش.
۱۵. جوادی آملی، عبدالله، نسبت دین و دنیا، تحقیق و تنظیم علیرضا روغنی موفق، اسراء، قم، ۱۳۸۷ ش.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه: ولایت، فقاہت و عدالت، تنظیم و ویرایش محمد محرابی، اسراء، قم، ۱۳۸۹ ش.

۱۷. خامنه‌ای، سید علی، *آداب روزه‌داری؛ احوال روزه‌داران*، انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۹۷ ش.
۱۸. خامنه‌ای، سید علی، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، [/https://farsi.khamenei.ir](https://farsi.khamenei.ir)
۱۹. دهخدا، علی‌اکبر، *لغت‌نامه*، روزنه، تهران، ۱۳۷۳ ش.
۲۰. صدر، محمدباقر، *بارقه‌ها*، ترجمه امید مؤذنی، انتشارات دارالصدر، ۱۳۹۳ ش.
۲۱. طباطبایی، محمدحسین، *ترجمه تفسیر المیزان*، ترجمه محمدباقر موسوی قوچانی، جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، ۱۳۷۴ ش.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی و فضل‌الله یزدی طباطبایی، ناصرخسرو، تهران، ۱۳۷۲ ش.
۲۳. طریحی، فخرالدین بن محمد، *مجمع البحرین*، مکتبه المرتضویه، ۱۳۷۵ ش.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، تصحیح: احمد حبیب عاملی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۲۵. عمید، حسن، *فرهنگ عمید*، فرهنگ نما، تهران، ۱۳۸۹ ش.
۲۶. فضل‌الله، محمدحسین، *من وحی القرآن*، دار الملائک، بیروت، ۱۴۱۹ ق.
۲۷. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، *الکافی*، تحقیق: علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۲۸. کولائی، الهه، *اکو و هم‌گرایی منطقه‌ای*، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، تهران، ۱۳۷۹ ش.
۲۹. مدرّسی، سید محمدتقی، *من هدی القرآن*، دار محیی‌الحسین، تهران، ۱۴۱۹ ق.
۳۰. مطهری، مرتضی، *آینده انقلاب اسلامی ایران*، صدرا، تهران، ۱۴۰۲ (آ) ش.
۳۱. مطهری، مرتضی، *اسلام و نیازهای زمان*، صدرا، تهران، ۱۴۰۲ (ب) ش.
۳۲. مطهری، مرتضی، *انسان‌شناسی قرآن*، صدرا، تهران، ۱۴۰۲ (ج) ش.
۳۳. مطهری، مرتضی، *انسان کامل*، صدرا، تهران، ۱۴۰۲ (د) ش.
۳۴. مطهری، مرتضی، *تعلیم و تربیت در اسلام*، صدرا، تهران، ۱۴۰۲ (ه) ش.
۳۵. مطهری، مرتضی، *جامعه و تاریخ*، صدرا، تهران، ۱۴۰۱ (آ) ش.
۳۶. مطهری، مرتضی، *سیری در سیره ائمه اطهار*، صدرا، تهران، ۱۴۰۲ (ز) ش.
۳۷. مطهری، مرتضی، *فطرت*، صدرا، تهران، ۱۴۰۱ (ب) ش.
۳۸. مطهری، مرتضی، *یادداشت‌های استاد مطهری*، صدرا، تهران، ۱۳۷۸ ش.
۳۹. مکارم شیرازی، ناصر، *اخلاق در قرآن*، مدرسه امام علی بن ابی‌طالب علیه السلام، قم، ۱۳۸۵ ش.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر، *الأخلاق فی القرآن*، مدرسه امام علی بن ابی‌طالب علیه السلام، قم، ۱۳۸۶ ش.

۴۱. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، *تفسیر نمونه*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴ ش.
۴۲. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، *پیام امام امیرالمؤمنین علیؑ*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۵ ش.
۴۳. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، *پیام قرآن*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۱ ش.
۴۴. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، *دائرة المعارف فقه مقارن*، مدرسه امام علی بن ابی طالب علیؑ، قم، ۱۳۹۰ ش.
۴۵. *نهج البلاغه*، ترجمه محمد دشتی، مشهور، قم، ۱۳۷۹ ش.
۴۶. ولایتی، علی اکبر و سعید محمدی، «تحلیل تجارب هم‌گرایی در جهان اسلام»، *دوفصلنامه دانش سیاسی*، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۸۹ ش.
۴۷. موسوی خمینی، سید روح الله، *چهل حدیث*، رجاء، تهران، ۱۳۶۸ ش.